

**The Representation of Female Chastity in 17th-Century French Literature
(Case Study: The Novel *La Princesse de Clèves*)**

Varady Isfahani, Behnaz Al-Sadat, M.A. in Women's Studies (Women's Rights in Islam), University of Isfahan, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, Department of Ahl al-Bayt Studies, (varadybehnaz@gmail.com)

Bankipour Fard, Amirhossein, Associate Professor, University of Isfahan, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, Department of Ahl al-Bayt Studies, (a.bankipour@ahl.ui.ac.ir)

Tork Ladani, Safura, Associate Professor, University of Isfahan, Faculty of Foreign Languages, Department of French and Russian Languages and Literatures, (s.torkladani@fgn.ui.ac.ir)

Article Info

Extended Abstract

Date received: 13/09/1403
Date confirmed: 25/01/1404

Chastity is among the moral virtues rooted in human nature, which has historically served as a source of perfection and flourishing for women across various societies. Focusing on 17th-century French literature and the novel *La Princesse de Clèves* as one of the most significant literary works reflecting the culture of French society in that century, specifically, a narrative centrally concerned with the theme of female chastity and the mechanisms and strategies for its preservation, this study seeks to examine the representation of the concept of chastity in this work.

This research was conducted within a qualitative framework, utilizing thematic analysis as its method. The domain of the study is 17th-century French literature, specifically the novel *La Princesse de Clèves* by Madame de Lafayette. To validate the processes of data collection and analysis, as well as the obtained results, conventional validation approaches for qualitative research appropriate to the current study were employed, including the use of an external auditor and thick description.

The findings of the research indicate that the concept of female chastity in *La Princesse de Clèves* is represented around five organizing themes, including

**Representation of Female Chastity,
17th-century French literature,
Princesses de Cleves,
Duty-Boundness.**

self-restraining character, chastity-oriented maternal upbringing, pious disposition, duty-bound orientation, and distancing. These are encompassed by the overarching theme of "Chastity as Duty-Boundness." In essence, the core theme of chastity in this novel is commitment, duty, and obligation towards oneself and the other, and its semantic pattern is formulated around this concept and its associated network of themes. Duty-boundness signifies an individual's duty, commitment, and responsibility towards oneself and others. Here, too, in relation to the story's main character as the unit of analysis, the defining principle of chastity and the strategies for its preservation revolve around duty and obligation towards oneself and the other (spouse). From this perspective, chastity is viewed as a duty and obligation that an individual has towards themselves, others, and society.

In this novel, we encounter two forms of duty [towards self and towards other] in relation to chastity. Duty towards oneself encompasses themes such as self-restraining character and pious disposition. Duty towards the other encompasses the theme of distancing. In reality, an individual, first in line with the duty and obligation they have towards themselves, cultivates a type of character whose prominent feature is self-restraint—or, in other words, the control of carnal desires—and also adopts a pious disposition in their personal and social life. Both themes express a type of obligation towards the self. An obligation or duty that places the individual on the path of chastity. This also holds true for duty and obligation towards the other. The main character of the novel feels a sense of duty towards preserving social honor and, simultaneously, feels a duty-bound commitment towards her previous marital life, which again has a socio-discursive nature. Based on this, she deems it her duty to define, at a more social level, the same strategies she had defined for herself in a state of self-imposed obligation, in order to preserve chastity. She adopts strategies such as withdrawal, interaction based on passivity, and engagement based on reason to maintain chastity with others. In conclusion, the article underscores the urgent need for comprehensive review and reform of Iran's family laws. Such reform should encompass: re-conceptualizing the nature of the marriage contract beyond transactional frameworks; revising provisions related to the wife's right to withhold marital duties (*ḥaqq al-ḥabs*); aligning legislation with contemporary socio-cultural transformations in family life; and promoting non-judicial mechanisms for dispute resolution. The ultimate goal of these reforms is to enhance family resilience, protect the institution of the family from structural erosion, and mitigate the weakening effects of the current legal framework on familial stability.



مطالعات جنسیت و خانواده

بازنمایی پاکدامنی زنان در ادبیات قرن هفدهم فرانسه (مورد مطالعه: رمان پرنسس کلو)

بهناز السادات ورادی اصفهانی

کارشناس ارشد مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام،

گروه معارف اهل بیت علیهم السلام

<https://orcid.org/0009-0009-6420-9392> - varadybehnaz@gmail.com

امیرحسین بانکی پور فرد

دانشیار دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام، گروه معارف اهل بیت علیهم السلام

varadybehnaz@gmail.com

صفورا ترک لادانی

دانشیار دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان های خارجی، گروه زبان و ادبیات فرانسه و روسی

<https://orcid.org/0000-0002-3086-1122> - s.torkladani@fhn.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
---------------	-------

پاکدامنی بر نوعی بازدارندگی یا بازداشتن نفس از تمایلات افراطی و غیرحلال دلالت دارد و ازجمله فضایل اخلاقی فطری فرازمانی و فرامکانی است که در طول تاریخ بشر همواره یک فضیلت برای زنان شمرده شده و مسیر کمال و سعادت را برای آنان هموار کرده است. پژوهش حاضر با هدف بازنمایی پاکدامنی در ادبیات قرن هفدهم فرانسه و به طور مشخص رمان پرنسس کلو در چارچوب رویکرد کیفی پژوهش و با بهره گیری از روش تحلیل مضمون به انجام رسیده است. تحلیل داده ها با رویکرد شبکه مضامین و در یک فرایند شش مرحله ای شامل استخراج مفاهیم اولیه، مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر، ترسیم شبکه مضامین و تفسیر آنها انجام شد. یافته های پژوهش بیانگر این است که مفهوم پاکدامنی زنان در رمان پرنسس کلو پیرامون پنج مضمون سازمان دهنده شامل شخصیت خودمهارگر، تربیت عفت مدارانه [مادری]، پارسامندی، تکلیف مداری و فاصله گیری و مضمون

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

بازنمایی پاکدامنی زنان،
ادبیات قرن هفدهم فرانسه،
پرنسس کلو،
وظیفه مداری.

فراگیر «پاکدامنی به مثابه وظیفه‌مداری» بازنمایی شده است. درواقع بن‌مایه اصلی عفت و پاکدامنی در این رمان تعهد، تکلیف و وظیفه در برابر خود و دیگری است و الگوی معنایی آن درباره این مفهوم و شبکه مضامین مرتبط با آن صورت‌بندی شده است.

مقدمه

ازجمله فضایل اخلاقی که در فطرت انسان ریشه دارد و در جوامع مختلف از گذشته تاکنون مایه کمال و بالندگی زنان بوده، عفت یا پاکدامنی است. در دوره‌های تاریخی گوناگون و در جوامع بشری، این فضیلت اخلاقی در میان زنان به شکل‌های متفاوتی بروز و ظهور یافته است. درواقع باینکه ماهیت این پدیده در جوامع مختلف کم‌وبیش یکسان بوده، نمود آن فرم‌ها و شکل‌های متفاوتی داشته است.

در خصوص کشور فرانسه و اوضاع این کشور در قرن هفدهم نیز می‌توان گفت این قرن عصری است که زنان برای نخستین بار در تاریخ مغرب‌زمین، نقش‌های اجتماعی شناخته‌شده و مهم را به دست گرفتند و به غیر از نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای سابق که فقط شامل رسیدگی به امور منزل بود، موفق به انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز شدند. گرچه این نقش‌ها تا پرداختن به امور سیاسی، اقتصادی و دولتی پیش نرفت - چراکه مردان در این حیطه نفوذ بسیاری داشتند و قدرت کامل و بااقتدار در دست آنان بود - اما در محافل چون محافل ادبی، تئاتر، جشن‌ها و مکان‌های مذهبی، حتی [زنان] نقش‌های مدیریتی و کلیدی را به دست گرفته بودند و در آنها حضور فعال داشتند. در این محافل، زنان و مردان با هم در زمینه‌های گوناگون تعامل داشتند و قلمرو و استعداد آنها با هم برخورد می‌کرد و در هم می‌آمیخت (دادجو، ۱۳۸۸، ص ۱۱)؛ بنابراین یکی از مسائل بسیار مهمی که در رابطه با حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و مناسبات و تعاملات آنها با مردان در این دوره نمود یافت، مسئله پاکدامنی زنان یا به سخن دیگر نوع رویارویی زنان با اعمال و کنش‌هایی بود که می‌توانست پارسایی و پرهیزگاری آنها را با چالش روبه‌رو کند.

درواقع می‌توان گفت حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و تعامل نزدیک آنها با مردان در حوزه‌های گوناگون به‌رغم اینکه فرصت‌های فراوانی را برای بروز و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های آنها و همچنین تأثیرگذاری‌شان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را به شکل‌های گوناگون فراهم کرده بود، این دنیای جدید و مناسباتی که در آن شکل می‌گرفت، زنان را در معرض آسیب‌های متعددی ازجمله بی‌عفتی نیز قرار می‌داد. موضوعی که هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی، هزینه‌های متعددی را بر فرد، خانواده و جامعه تحمیل می‌کرد؛ بنابراین پرسش بنیادینی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که زنان در این اوضاع چگونه و با استفاده از چه راهبردهایی

پارسایی و پاک‌دامنی خود را از مخاطرات بالقوه موجود مصون نگه می‌داشتند؟ پژوهش حاضر با تمرکز بر ادبیات قرن هفدهم فرانسه و رمان پرنسس کلو^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ادبی منعکس‌کننده فرهنگ جامعه فرانسه در این قرن که به‌طور مشخص روایت اصلی آن بر موضوع پاک‌دامنی زنان و سازوکارها و راهبردهای حفظ آن تمرکز دارد، به دنبال این بوده است که به چند پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست اینکه پاک‌دامنی زنان در رمان پرنسس کلو درباره چه مفاهیم و مضامینی بازنمایی می‌شود؟ دوم الگوی معنایی پاک‌دامنی زنان در این اثر چگونه بازتاب یافته است؟ سوم بر مبنای چه مفهوم فراگیر و یکپارچه‌ای می‌توان مفهوم پاک‌دامنی زنان را در این اثر توضیح داد؟ پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها در ادبیات قرن هفدهم فرانسه و تطبیق آن با رویکرد اسلامی، زمینه را برای فهم میزان هم‌گرایی و واگرایی آنها در رابطه با موضوع پاک‌دامنی و در نتیجه پرداختن به هم‌افزایی رویکردهای یادشده در راستای ترویج این فضیلت اخلاقی فراهم می‌کند. براین اساس هدف اصلی این پژوهش کیفی، بازنمایی مفهوم پاک‌دامنی زنان در ادبیات قرن هفدهم فرانسه با تأکید بر رمان پرنسس کلو است. در راستای این هدف اصلی، مضامین اصلی مرتبط با مفهوم پاک‌دامنی در این رمان شناسایی و در ادامه الگوی معنایی این مضامین استخراج و شبکه مضامین پاک‌دامنی ترسیم و در نهایت نیز این شبکه مضامین تفسیر شده است. شایان ذکر است هدف پژوهشگر از پرداختن به این موضوع به عنوان یک ارزش اصیل اخلاقی و اجتماعی، تطبیق دیدگاه حاکم بر ادبیات قرن هفدهم فرانسه با دیدگاه اسلامی در خصوص موضوع پاک‌دامنی است.

۳. چارچوب مفهومی

مروری بر مبنای نظری مرتبط با مفهوم پاک‌دامنی بیانگر این است که این مفهوم را می‌توان در یک شبکه مفهومی شامل پارسایی، خویش‌داری، شرم و حیا، شرافت و کنترل زنان تعریف و تبیین کرد. با این حال در نگاه به پاک‌دامنی می‌توان دو رویکرد کلان ذات‌گرایانه و برساخت‌گرایانه را از هم تفکیک کرد. رویکرد ذات‌گرایانه بر این باور است که پاک‌دامنی و انگاره‌های مرتبط با آن امری ذاتی هستند و در جوهر و فطرت انسان قرار گرفته‌اند. هرچقدر هم جامعه دچار تغییر شود، در نهایت پاک‌دامنی ثابت می‌ماند و همیشه امری ارزشمند خواهد بود. در مقابل، رویکرد برساخت‌گرایانه معتقد است پاک‌دامنی امری اجتماعی و گفت‌مانی است که توسط جامعه، قدرت و نهادها و در فرایندی تاریخی شکل گرفته است. پاک‌دامنی در این معنا، امری ثابت نیست؛ بلکه در دوره‌های

1. Princesse de Clèves.

مختلف و در جوامع گوناگون تغییر می‌کند (ر.ک: بارکر،^۱ ۱۳۸۷، ص ۵۰۷-۵۲۸).

مهم‌ترین رویکرد ذات‌گرایانه به پاکدامنی را می‌توان در دیدگاه اسلامی به این مسئله جست‌وجو کرد. در رویکرد اسلامی، عفت و پاکدامنی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین فضایل انسانی و ارزش‌های اسلامی است. قرآن کریم در بیان صفات برجسته مؤمنان، عفت را پس از نماز و زکات و پرهیز از لغو مطرح کرده و حتی آن را بر امانت و پابندی به عهد و پیمان نیز مقدم داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۲۳، نقل از اکبری دستک، ۱۳۹۸، ص ۷۵)؛ بنابراین از منظر اندیشه و تفکر اسلامی، از پاکدامنی به حالتی تعبیر می‌شود که با شیوه‌ای خاص در گفتار و رفتار همراه است و دارای دو تعبیر داخلی و خارجی است: در تعبیر داخلی، عفت نوعی حالت نفسانی است که برای غلبه بر شهوت و نگهداشت آن به کار می‌رود؛ اما در تعبیر خارجی، علامت‌ها و نشانه‌هایی است که در سلوک، رفتار و گفتار انسان متجلی می‌شود (فخرالسادات، ۲۰۰۲، ص ۲۳۹-۲۳۸، نقل از غیبی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). خاستگاه عفت و پاکدامنی در دیدگاه اسلامی، عقل، قناعت و غیرت است. درواقع عقل به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مواهب الهی موجب نهادینه شدن پاکدامنی در نهاد افراد می‌شود. قناعت اصل و ریشه عفت و پاکدامنی است و غیرت رابطه مستقیم و تنگاتنگی با پاکدامنی دارد. ابعاد و گستره عفت در اسلام نیز شامل عفت جنسی (عفت دامن)، عفت شکم (عفت در خورد و خوراک)، عفت در نگاه (عفت چشم) و عفت در بیان و کلام (عفت زبانی) است (ر.ک: اکبری دستک، ۱۳۹۸). براین اساس می‌توان گفت در رویکرد اسلامی، پاکدامنی خویشتن‌داری در اندیشه، گفتار و رفتار است که در پدیده قناعت بروز و ظهور می‌یابد؛ بنابراین رویکرد اسلامی به پاکدامنی را می‌توان ذات‌گرایانه قلمداد کرد؛ زیرا فرض را بر این می‌گیرد که عفت و پاکدامنی و انگاره‌های مرتبط با آن در ذات انسان وجود دارد و چیزی نیست که اجتماع آن را برای افراد تولید کرده باشد. البته این ذات‌گرایی فرمی رادیکال ندارد؛ بلکه هم‌زمان به نقش انگاره‌های اجتماعی در تحقق یافتن یا تحقق نیافتن آن نیز توجه دارد.

رویکردهای برساخت‌گرایانه را عموماً می‌توان در دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناختی و فرهنگی جست‌وجو کرد. این رویکردها به‌طور کلی معتقدند جنسیت و انگاره‌های مرتبط با آن ازجمله پاکدامنی پدیده‌ای اجتماعی و گفتمانی هستند. از این رویکرد هیچ نوع دسترسی به حقایق ذاتی و بیولوژیک خارج از گفتمان‌های فرهنگی وجود ندارد. در این رویکرد، پاکدامنی عموماً امری زنانه

1. Barker, C.

۲. اخلاق در قرآن.

و جنسیتی قلمداد می‌شود؛ پدیده‌ای که همانند دیگر پدیده‌ها محل اصلی اعمال قدرت و تولید سوژه‌بودگی است. الکوف^۱ در رد ذات‌گرایی، هر تأکیدی بر ویژگی زنانه خاص و مهربان را اشتباه فرض می‌کند (الکوف، ۱۹۸۹م، ص ۱۰۴، نقل از بارکر، ۱۳۸۷، ص ۵۱۷). او بر آن است که نه تنها شواهد کافی بر تفاوت‌های فطری وجود ندارد؛ بلکه ذات‌گرایی این خطر را به دنبال دارد که موجب استوار شدن سپری مهم برای بهره‌کشی جنس‌گرایانه شود. از نظر فوکو^۲ (۱۹۷۹م) جنسیت محل اصلی اعمال قدرت و تولید سوژه‌بودگی در جوامع غربی بوده است. سوژه‌ها از طریق تولید جنس و کنترل بر بدن ساخته می‌شوند (بارکر، ۱۳۸۷، ص ۵۱۹). پاک‌دامنی با این نگاه، نوعی سیاست کنترل جنسیت است که با نظام اخلاق سروکار دارد. براین اساس می‌توان گفت پاک‌دامنی سیاستی برای تنظیم و کنترل جنسیت از طریق رمزگان نظام اخلاقی جامعه است که در نهایت در یک چارچوب گفتمانی قرار می‌گیرد.

نظریه‌پردازان فرهنگی (ویکان،^۳ ۱۹۸۲م/گیلمور،^۴ ۱۹۸۷م/ویسفلد،^۵ ۱۹۹۳م/لیندیسفان،^۶ ۱۹۹۸م). استدلال می‌کنند که انتظارات پاک‌دامنی کنترل اجتماعی شدیدتری را بر زنان اعمال می‌کند. بازنمایی‌های فرهنگی نیز قدرت‌های اسطوره‌ای را به زنان پاک‌دامن نسبت می‌دهند؛ برای نمونه طبق اساطیر تامیل^۷ زنان پاک‌دامن حتی قدرت دارند خدایان را نفرین کنند. استدلال روان-شناسان تکاملی (ر.ک: الکساندر،^۸ ۱۹۸۷م/باس،^۹ ۱۹۹۸م). این است که اطمینان نداشتن از پدر بودن به کنترل جنسی زنان از طریق کدهای رفتاری پاک‌دامنی منجر می‌شود. باس بر این باور است که انتظارات فرهنگی نهادینه‌شده در مورد باکرگی و پاک‌دامنی پیش از ازدواج، اضطراب و اطمینان نداشتن مردان در مورد پدر بودن خود را به حداقل کاهش می‌دهد. او همچنین استدلال می‌کند که حسادت جنسی می‌تواند انگیزه دیگری برای کنترل تمایلات جنسی زنان به‌ویژه در فرهنگ‌هایی باشد که رقابت میان مردان شدید است. افزون بر این لیندیسفان معتقد است در فرهنگ‌های مبتنی بر عزت و افتخار، انتظارات بالایی از پاک‌دامنی وجود دارد. در این فرهنگ‌ها افتخار مردان در

-
1. Alcoff, L.
 2. Foucault, M.
 3. Wikan, U.
 4. Gilmore, D. D.
 5. Weisfeld, G. E.
 6. Lindisfarne, N.
 7. Tamil
 8. Alexandr, R. D.
 9. Buss, D. M.

توانایی‌شان برای محافظت از منابع و افتخار خانواده و خویشاوندان است و عزت و افتخار خانواده در پاکدامنی و خویشتن‌داری زنان است (ماهالینگام،^۱ ۲۰۰۷م، ص ۲۴۰). براین اساس رویکرد فرهنگی بر شیوه‌های فرهنگی گوناگونی که از طریق آنها جنسیت در زندگی روزمره ما بر ساخت می‌شود و همچنین تأثیر تفاوت‌های ساختاری بین مردان و زنان در کنترل بدن و تمایلات جنسی زنان تأکید دارد.

در جمع‌بندی چارچوب مفهومی پژوهش باید گفت پاکدامنی هم امری ذاتی و جوهری است و هم اینکه یک برساخت اجتماعی و گفتمانی است که نه در ذات انسان، بلکه در مناسبات گفتمانی شکل می‌گیرد. درواقع از یک سو پاکدامنی بنیاد وجودی و ذاتی انسان قلمداد می‌شود و از سوی دیگر ماهیت و معنای اجتماعی و گفتمانی نیز دارد؛ بنابراین می‌توان گفت هیچ‌کدام از این دو رویکرد به‌تنهایی امکان تبیین پیچیدگی معنایی پاکدامنی را ندارند. در نتیجه آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، آمیزه‌ای از دو رویکرد ذات‌گرایانه و برساخت‌گرایانه برای تفسیر این پدیده است.

۴. پیشینه

جست‌وجو در منابع و متون داخلی و خارجی بیانگر این است که در خصوص موضوع پاکدامنی زنان در ادبیات قرن هفدهم فرانسه، مطالعه‌ای روشمند انجام نشده است. پژوهش‌های مرتبط با موضوع پاکدامنی زنان به معنای عام و در ادبیات جوامع دیگر نیز محدود و انگشت‌شمار هستند. در ادامه خلاصه‌ای از معدود مطالعات انجام‌شده در رابطه با این موضوع با تأکید بر هدف، روش و نتایج مرتبط با این مطالعات بیان شده است:

مطالعات انجام‌شده در ارتباط با پاکدامنی زنان به دو دسته مطالعات اسنادی و میدانی تقسیم می‌شوند. بریل^۲ (۱۹۷۱م) در مطالعه‌ای اسنادی با عنوان «پاکدامنی به عنوان جنسیت ایدئال در کتاب سوم ملکه پریان» به این نتیجه می‌رسد که پاکدامنی در این کتاب یک فضیلت پیچیده و تهاجمی است که از ماهیت جنسیتی انسان نشئت گرفته و به‌طورکامل در بریتومارت^۳ قهرمان تقریباً دوجنس‌گرای کتاب تجسم یافته است. پاکدامنی بریتومارت توسط تمایلات جنسی، نیروها و انرژی‌های حیوانی و شیطانی و... تهدید می‌شود؛ اما درنهایت فرار از این نیروها پاکدامنی را

1. Mahalingam.

2. Brill, L. W.

3. Britomart.

تضمین می‌کند. دِ تورک^۱ (۲۰۰۱م) در مطالعه خویش با عنوان «تمایلات متعارض: جنسیت، پاک‌دامنی و نمایش لوکرتیا در نقاشی ونیزی قرن شانزدهم (ایتالیا)» به شیوه بازنمایی لوکرتیا (مادر رومی که مرگ را به رسوایی و بی‌آبرویی ترجیح داد) در نقاشی ونیزی قرن شانزدهم پرداخته است. او به این نتیجه رسیده که بر خلاف دیدگاهی که در دوره‌های گوناگون در مورد لوکرتیا به عنوان نماد پاک‌دامنی و فضیلت زنانه وجود داشته است، در نقاشی‌های ونیزی قرن شانزدهم بازنمایی او تغییر می‌کند و شیوه‌ای اروتیک و جنسی می‌یابد. نویسنده معتقد است زمینه و بافت اجتماعی مولد نقاشی‌ها و متون در دوره‌های گوناگون، فرم و ماهیت بازنمایی پاک‌دامنی لوکرتیا را تعیین می‌کند. روی^۲ (۲۰۲۲م) در پژوهشی با عنوان «پاک‌دامنی در متون هند باستان» با بررسی متون باستانی هند مانند ماهاپورانها^۳ و رامایان^۴ به این نتیجه رسیده است که سلسله‌مراتب پدرسالارانه جامعه از یک سو و سنت‌های دینی مختلف از سوی دیگر مفهوم پاک‌دامنی را تعریف و تفسیر کرده‌اند. پاک‌دامنی در برخی متون ماهیت انطباقی داشته است، در برخی ماهیت انعکاسی و در برخی دیگر ماهیت انحرافی از تعاریف مرسوم. پرت^۵ (۲۰۰۵م) در مطالعه‌ای اسنادی با عنوان «پاک‌دامنی به عنوان یک فضیلت» نتیجه می‌گیرد تحلیل اکویناس^۶ از عفت و پاک‌دامنی به عنوان بخشی از اعتدال، راه را به سوی فضیلت اخلاقی مثبت از تمایلات جنسی باز می‌کند. ماهالینگام^۷ (۲۰۰۷م). در مطالعه‌ای میدانی به باورهای مرتبط با پاک‌دامنی با رویکرد روان‌شناسی فرهنگی با استفاده از روش پیمایش پرداخته است. نتایج مطالعه او نشان‌دهنده این است که رابطه معناداری میان باورهای مربوط به هویت کاستی و پاک‌دامنی وجود دارد. همچنین رابطه معناداری بین وضع تأهل با پاک‌دامنی وجود دارد؛ به این معنا که میانگین نمره پاک‌دامنی در میان افراد متأهل به شکل معناداری بالاتر از افراد مجرد است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، استفاده از رویکرد تفسیری و نگاه از درون (امیک)^۷ به موضوع پاک‌دامنی است.

برخی از مطالعات انجام‌شده در داخل کشور در رابطه با موضوع عفت و پاک‌دامنی نیز بدین شرح است. یعقوبی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «پاک‌دامنی و پوشیدگی زن در جلوه‌گاه شعر

1. DeTurk, S.
2. Roy, O.
3. MahāPurānaha.
4. Rāmāyana.
5. Porter, J.
6. Aquinas, T.
7. Emic.

پارسی (شاهنامه و آثار شاعرانی دیگر)» به این نتیجه رسیده که از ابتدای تاریخ، زنان پوشیده‌رویی و حفظ پوشیدگی را نوعی وظیفه اخلاقی و سنتی خود می‌دانستند و سنت ملی ایران باستان بر این پایه استوار بوده که زنان و مردان نامحرم با یکدیگر اختلاط نداشته باشند. درواقع زن در نگاه ایرانیان همواره به پاک‌دامنی، مستوری و شرم ستوده بوده، این صفات از ویژگی‌های ممتازش شمرده می‌شده و زن ایرانی به این پوشیده بودن و پاک‌دامنی افتخار می‌کرده است. نتایج پژوهش صحرایی سرمزده (۱۳۹۹) با عنوان «تصویر عفت و پاک‌دامنی زن در آینه شعر جاهلی» بیانگر این است که زن مصدر الهام و منبع شعر جاهلی بوده و در جایگاه ایزد بانوان در ذهنیت یونان باستان قرار داشته است. درنهایت اینکه شاعر جاهلی تصویری از زن به عنوان موجودی قدیس و دارای قدرت الهی آفریده است. خدادادی و کاردوانی (۱۴۰۰) در پژوهش خود که با موضوع «بررسی میزان هم‌گرایی عفت جنسی در دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم» با روش تحلیل مضمون انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافته‌اند که در مفهوم قلمرو عفت جنسی بین هردو گروه یادشده، هم‌گرایی نسبی وجود دارد و در بخش مصادیق عینی عفت جنسی، میزان هم‌گرایی کاهش می‌یابد.

۵. روش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون^۱ به انجام رسیده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (ر.ک: براون و کلارک،^۲ ۲۰۰۶م). رویکرد استفاده‌شده در این پژوهش شبکه مضامین^۳ است. در این رویکرد که توسط آتراید - استرلینگ^۴ (۲۰۰۱م) ارائه شده است، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده (ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و فراگیر (اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. در پژوهش حاضر نیز نخست مضامین پایه بر مبنای نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش استخراج و از تلخیص و ترکیب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و در ادامه از طریق ترکیب مضامین سازمان‌دهنده و همچنین کشف اصول

-
1. Thematic Analysis.
 2. Braun, V. & Clarke, V.
 3. Thematic Network.
 4. Attride-Stirling, J.

حاکم بر داده‌های پژوهش، مضمون فراگیر مرتبط با پدیده مورد مطالعه استخراج و در نهایت شبکه مضامین مربوط به مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ترسیم شده است. درخور ذکر است فرایند کدگذاری و سامان‌دهی کدها، مفاهیم و مضامین استخراج‌شده با بهره‌گیری از نسخه ۲۰۲۰ نرم-افزار MAXQDA صورت گرفته است.

حوزه مطالعه حاضر ادبیات قرن هفدهم فرانسه و به‌طور مشخص رمان پرنسس کلو اثر مادام دو لافایت است. درواقع باید گفت پژوهش حاضر با تمرکز بر ادبیات قرن هفدهم و این رمان، مفهوم پاک‌دامنی را واکاوی و بازنمایی کرده است. مهم‌ترین دلیل انتخاب این اثر به عنوان مورد مطالعه در پژوهش حاضر را می‌توان موارد ذیل برشمرد: ۱) این رمان یک شاهکار ادبی در قرن هفدهم قلمداد می‌شود. ۲) تأثیر این رمان بر جامعه قرن هفدهم فرانسه بسیار چشمگیر و عمیق بوده است. ۳) این رمان به عنوان یک جریان فکری در فرانسه تاکنون تداوم داشته است.

برای اعتباربخشی به فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و همچنین نتایج به‌دست‌آمده، از رویکردهای مرسوم اعتباریابی در پژوهش‌های کیفی و متناسب با مطالعه حاضر شامل ارزیابی بازرسی خارجی^۱ و توصیف ضخیم^۲ (ر.ک: کرسول و میلر، ۲۰۰۰م) استفاده شد. درواقع نخست در راستای اعتباربخشی از طریق ارزیابی بازرسی خارجی افزون بر پژوهشگر، فرد دیگری (آشنا با رویکردهای کیفی پژوهش) نیز فرایند کدگذاری، تحلیل داده‌ها و استخراج مضامین پژوهش را کنترل کرد و بر اساس نظر ایشان یافته‌های پژوهش بازبینی و بازنگری شد. دوم اینکه در رابطه با تکنیک توصیف ضخیم نیز سعی شده است شرح مفصلی از پدیده مورد مطالعه و بافت و زمینه آن (پاک‌دامنی در رمان پرنسس کلو) به منظور داوری در خصوص هم‌خوانی تفسیر و تحلیل پژوهشگر از داده‌ها با متن داده‌ها بیان شود.

۶. یافته‌ها

یافته‌های مطالعه حاضر بر اساس الزامات مرتبط با رویکرد شبکه مضامین در سه مرحله به شرح ذیل گزارش شده است: ۱) نخست مفاهیم و مضامین اصلی شناسایی شده حاصل از کدگذاری داده‌ها در راستای هدف اصلی پژوهش (بازنمایی مفهوم پاک‌دامنی) حدود هفتاد مفهوم اولیه، سیزده مضمون پایه، پنج مضمون سازمان‌دهنده و یک مضمون فراگیر تلخیص و گزارش شده‌اند. ۲) در ادامه توضیحات مرتبط با هریک از مضامین سازمان‌دهنده با استناد به متن مورد بررسی،

-
1. External Audit.
 2. Thick Description.

ارائه و شبکه مضامین هر مضمون سازمان‌دهنده نیز رسم شده است. ۳) درنهایت از طریق ترکیب و ادغام مضامین سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر پژوهش مشخص شد و با تلخیص و ترکیب شبکه‌های مضامین مربوط به مضامین سازمان‌دهنده، ضمن ترسیم شبکه مضمون اصلی پژوهش U این شبکه و الگوی روابط بین مضامین موجود در آن تفسیر شده است.

با توجه به اینکه مطالعه حاضر با تمرکز بر قرن هفدهم فرانسه و کتاب پرنسس کلو اثر مادام دولافایت به انجام رسیده است، پیش از ارائه یافته‌های اصلی پژوهش - در خصوص موضوع پاکدامنی - توصیفی مختصر از قرن هفدهم فرانسه با تأکید بر وضع زنان در این دوره و رمان پرنسس کلو گزارش شده است.

قرن هفدهم فرانسه را می‌توان مرحله ابتدایی ورود اروپا به دوران جدید با گذر از قرون وسطی دانست. برخی مورخان (همچون کویان) بحران عمومی گسترده در سده هفدهم میلادی را به سراسر جهان تعمیم می‌دهند. فرانسه در قرن هفدهم میلادی شاهد یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات سرنوشت‌ساز خود شد. در سال ۱۷۸۹ انقلاب کبیر فرانسه دوره جدیدی را در این کشور رقم زد. سیاست اروپا در طول بحران عمومی متأثر از فرانسه تحت فرمان لویی چهاردهم بود. طی حکومت او قدرت پادشاهی در طول جنگ داخلی فروند^۱ به واسطه تضعیف طبقه نیمه‌فئودال نجیب‌زادگان فرانسه متمرکزتر شد و این طبقه منکوب قدرت مطلق سلطنت شدند. لویی چهاردهم با اطمینان از آرامش در داخل کشور، مرزهای کشور را گسترده‌تر کرد. از سوی دیگر از همین زمان است که دوران عظمت ادبیات کلاسیک در فرانسه آغاز شد (۱۶۶۱-۱۶۶۷م). در رابطه با وضع زنان در این قرن، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، قرن هفدهم فرانسه قرنی است که زنان برای نخستین بار در تاریخ مغرب‌زمین، نقش‌های اجتماعی شناخته‌شده و مهم را به دست گرفتند و به غیر از نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای سابق (رسیدگی به امور منزل) موفق به انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز شدند. در محافل ادبی، تئاتر، جشن‌ها و مکان‌های مذهبی حضور یافتند و حتی نقش‌های مدیریتی و کلیدی را به دست گرفتند و حضور فعال داشتند. در این محافل، زمینه تعامل و کنش متقابل بین مردان و زنان در زمینه‌های مختلف و به فرم و شکل‌های گوناگون فراهم شد. درواقع نوعی درهم‌آمیختگی در همه بسترهای اجتماعی به شکل‌های گوناگون به وقوع پیوست؛ اوضاعی که افزون بر داشتن امتیازات گوناگون برای زنان، آسیب‌هایی را نیز برای آنان به همراه

1. Fronde:

مجموعه‌ای از جنگ‌های داخلی در فرانسه بین اشراف و نیروهای وفادار به لویی چهاردهم

داشت (ر.ک: کوبان، ۱۳۹۳).

در خصوص رمان پرنسس کلو (۱۹۶۶م) نیز باید گفت این رمان زندگی مادموازل دو شارتر را روایت می‌کند که بر اثر سخت‌گیری مادر، تربیتی جدی یافته است، بدون عشق و تنها از روی احترام و منطق با پرنس دو کلو که سخت دل‌باخته اوست، ازدواج می‌کند و پیوسته به او وفادار می‌ماند. تا آنکه در یکی از مجالس رقص دربار با نجیب‌زاده جوانی آشنا می‌شود که دیدارش هیجان و احساس تازه‌ای در او پدید می‌آورد. سخنان محبت‌آمیز و دور از هر نوع گستاخی او بر پریشانی‌اش می‌افزاید و ملاقات‌های بعدی، آن دو را سخت به یکدیگر دل‌بسته می‌کند؛ اما اندیشه وفاداری به شوهر و پایبندی به حفظ آبرو و شرافت، شاهزاده خانم را بر می‌انگیزد تا عشق سوزانش را نزد شوهر فاش کند و از او راهنمایی بخواهد. پس از آن - بنا بر پیشنهاد شوهر - چندی از جامعه کناره می‌گیرد و به گردش در جنگل و عالم تنهایی بسنده می‌کند؛ اما وضع به آن صورت باقی نمی‌ماند و معشوق به این گردش‌ها می‌پیوندد. شوهر که به ملاقات‌های پنهانی رقیب بدگمان می‌شود، هر لحظه پریشان‌حال‌تر می‌گردد تا سرانجام از نگرانی شدید بر بستر بیماری می‌افتد و از رنج و اندوه جان می‌سپارد؛ بی‌آنکه به وفاداری همسر خود پی ببرد. شاهزاده خانم کلو پس از مرگ شوهر - به خاطر عذاب وجدانی که در مرگ زودرس همسرش در خود احساس می‌کند - بر خود لازم می‌بیند تا پایان عمر به روح همسرش نیز وفادار بماند و از این جهت، درحالی‌که برای ازدواج با موسیو نمور مانعی در پیش ندارد، درخواست او را رد می‌کند و عشق خود و همچنین عزم خود را بر بیوه ماندن به او اعلام می‌دارد و سعادتی را که به قیمت مرگ شوهر تمام می‌شود، نمی‌پذیرد. از آن پس با قدرت بسیار بر جدال درون چیره می‌شود، وظیفه و اراده را بر عشق ترجیح می‌دهد و به دیری پناه می‌برد؛ اما هرگز سعادتی نمی‌یابد؛ تا جایی که بر اثر رنجوری مداوم، در راه وفاداری به شوهر، خود را فدا می‌کند (ر.ک: مادام دو لافایت،^۱ ۱۹۶۶م). در ادامه تمرکز اصلی یافته‌های پژوهش بر مفاهیم و مضامین حاصل از تحلیل و کدگذاری متن مورد مطالعه، شبکه مضامین مربوط به مفهوم پاک‌دامنی و توضیح و تفسیر این شبکه مضامین است.

1. Mme de La Fayette.

جدول ۱. مفاهیم اولیه، مضامین پایه، سازمان-دهنده و فراگیر مرتبط با پاک‌دامنی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان-دهنده	مضامین پایه	مفاهیم اولیه
وظیفه‌مداری پاک‌دامنی به مثابه	شخصیت خودمهارگر	خویش‌داری	جدال با نفس/چیرگی بر جدال درون/کنترل عواطف و احساسات/خویش‌داری/دست‌نیافتنی شدن
		شرم و حیا	سرخ شدن چهره/شرمندگی/تشویش و سرافکنندگی/عذاب وجدان/پایبندی به حفظ آبرو و شرافت
	تربیت عفت-مدارانه [اماری]	پندهای عفت‌مدار مادری	هشدار مداوم مادر/توضیح آرامش ناشی از پاک‌دامنی/برشمردن ورطه‌های خطرناک رابطه با مردان/ذکر جنبه‌های ناپسند عشوه‌گری/بر حذر داشتن از محیط-های آلوده به فساد/نشان دادن مواضع خطر/پرهیز از قبیح‌شکنی/اقناع‌سازی/صحبت عریان/اندرزگویی مادرانه
		حمایتگری مادری	یاری دادن در دودلی و سرگردانی/محافظت از دختر در برابر تلاطم مخملی دربار/مادر به مثابه پناهگاه و حامی/وقف خود برای فرزند
		عاطفه‌مداری	مادر به مثابه دوست صمیمی/پندهای مهربانانه مادر/تعلق عاطفی مادر به دختر/پر کردن خلأ عاطفی
	پارسامندی	تقوایب‌نگی	جایگزینی تقوا با سودا/نجابت و تقوا به مثابه زیبایی/پرهیز از گناه/بی‌ارزش شدن امور دنیا/بی‌ارزش عشق و تعهدات دنیوی
		ریاضت‌کشی	عزت‌گزینی/ترجیح تنهایی/کناره‌گیری از جامعه/شرکت نکردن در مراسم‌های عمومی/پناه بردن به صومعه
	تکلیف-مداری	خودتکلیفی	یادآوری وظیفه درباره خود/ترجیح وظیفه بر عشق/مسئولیت در قبال خود/همساز نبودن عشق با وظیفه
		دیگرتکلیفی	یادآوری دین به شوهر/مسئولیت در قبال شوهر/تعهد و وفاداری به شوهر
		خوداظهاری	پرهیز از پنهان‌کاری/نزدیک شدن به شوهر/فاش کردن عشق/اعتراف نزد شوهر
	فاصله‌گیری	دوری‌گزینی	دوری جستن از محبوب/پرهیز از دریافت پیام/بی‌خبری/اجتناب از دیدار/در معرض دید قرار نگرفتن/دست‌نیافتنی شدن/پرهیز از مواجهه/گریز از نگاه محبوب
		تعامل منفعلانه	نادیده‌انگاری/برخورد سرد/بروز ندادن احساسات/عوض کردن صحبت/انکار آشنایی
		مواجهه‌خردورزانه	پیروی نکردن از عواطف و احساسات/خردورزی/موقعیت ندادن به محبوب/وانمود کردن به بیماری/ترک موقعیت/احتیاط‌ورزی/اجتناب از کنجکاو

در این قسمت نخست مضامین سازمان‌دهنده پژوهش (شخصیت خودمدار، تربیت مادرانه، تقوایب‌نگی، وظیفه‌مداری و فاصله‌گیری) با استناد به فضای مفهومی این مفاهیم در متن مورد مطالعه، تعریف و شبکه مضامین مرتبط با این مضامین سازمان‌دهنده ترسیم شده است:

۶-۱. تربیت عفت‌مداران [مادری]: یکی از مضامین مرتبط با موضوع پاک‌دامنی در متن مورد مطالعه نوعی از تربیت خانوادگی است که با محوریت عفت و پاک‌دامنی انجام می‌شود. درواقع بن‌مایه و هسته اصلی این نوع تربیت، عفت، پاک‌دامنی و پرهیز از اعمال و رفتاری است که به این موضوع خدشه وارد کند. تربیت عفت‌مداران [مادری] پیرامون سه مضمون «عاطفه مادری، حمایتگری مادرانه و نصایح عفت‌مدار مادری» سازمان‌یافته است. نصایح عفت‌مدار مجموعه دستورالعمل‌هایی است که به‌طور مشخص و با تمرکز و تأکید بر مقوله عفت و پاک‌دامنی زنان و هشدار مداوم درباره خدشه‌دار شدن آن به فرد مقابل (فرزند) ارائه می‌شود. درواقع مادر شخصیت اصلی داستان به صورت مدام و مکرر در قالب پند و اندرز این موضوع را به شکل‌ها و فرم‌های گوناگون و با ذکر ابعاد و زوایای منفی و مثبت آن به او یادآوری می‌کند که رفتار (بروز احساسات و عواطف) و تعامل خود با مردان را به گونه‌ای تنظیم و مدیریت کند که کمترین آسیب ممکن را به عفت و پاک‌دامنی او وارد کند؛ زیرا از نظر مادر، ارزش عفت و پاک‌دامنی بالاتر و والاتر از هر موضوع دیگری است. نویسنده این‌گونه روایت می‌کند: «او برای دخترش از مهلکه‌هایی که در روابط غیراخلاقی بر سر راه زنان وجود دارد، سخن می‌گفت و از سوی دیگر آرامشی را که فقط زنان پاک‌دامن از آن بهره می‌برند، برای او توصیف می‌کرد و به او خاطرنشان می‌کرد که نجابت و تقوا تا چه اندازه بر عزت و احترام کسی که از زیبایی و شرافت خانوادگی بهره‌مند است، می‌افزاید» (مادام دو لافایت، ۱۹۶۶م، ص ۴۱).

حمایت و پشتیبانی مادر به عنوان دیگر مضمون پایه مرتبط با تربیت عفت‌مداران دو بعد متفاوت دارد: نخست اینکه به روایت نویسنده، مادر زندگی خود را وقف این موضوع می‌کند که دخترش را به گونه‌ای تربیت کند که پاک‌دامن و عفت‌مدار باشد. درواقع مادر صرف وقت و انرژی خود برای تربیت مبتنی بر معیارهای اخلاقی فرزند را یک وظیفه و تکلیف قلمداد می‌کند که باید به نحو مطلوب آن را ادا کند. دوم اینکه از دختر در شرایطی که امکان لغزش و خطا وجود دارد، تمام‌وکمال حفاظت می‌کند؛ به بیان دیگر حمایت مداوم و مستمر مادر از دختر به منظور حراست از عفت و پاک‌دامنی او در موقعیت‌هایی که زمینه و ظرفیت آسیب دیدن در پی کنش دیگران وجود دارد، مدنظر قرار می‌گیرد و اعمال می‌شود. در متن مورد مطالعه این موقعیت و حالت آسیب‌زا به‌طور مشخص در برابر برای شخصیت اصلی داستان وجود داشته است و مادر او همواره در جایگاه یک حامی، مسیرهای حفاظت از دختر را پیگیری می‌کرده است. نویسنده حمایتگری مادر را این‌گونه نقل می‌کند: «مادام دو شارتر پس از مرگ شوهرش سال‌ها به دربار رفت‌وآمد نمی‌کرد و با همتی تمام، خود را وقف تربیت دخترش کرد؛ اما این تربیت شامل تربیت روحی و معنوی

دخترش و پرداختن به زیبایی او نبود؛ بلکه کوشیده بود او را همچون خود، پاکدامن و شایسته احترام بار بیاورد» (همان).

نویسنده در خصوص حفاظت و حراست مادر از دختر در جایی دیگر می‌نویسد: «بر این دربار نوعی تلاطم مخملی حکم فرما بود که آن را بسیار دلپذیر می‌کرد؛ گرچه این امر برای جوانان بسیار خطرآفرین بود. مادام دو شارتر این خطر را می‌دید و فقط به راهی می‌اندیشید تا از دخترش در برابر آن محافظت کند» (همان، ص ۴۵).

دیگر مضمون پایه مرتبط با تربیت عفت‌مدارانه، عاطفه مادری است. درواقع رابطه عمیق عاطفی مادر با فرزند به منظور پر کردن خلأهای عاطفی احتمالی او ویژگی دیگر این نوع از تربیت در متن مورد مطالعه قلمداد می‌شود. درواقع از آنجایی که نقطه کانونی و مرکزی آسیب زدن به عفت و پاکدامنی زنان می‌تواند احساسات و عواطف آنان باشد، مادر از طریق نزدیک شدن به فرزند و برقراری رابطه عاطفی عمیق با او می‌کوشد کمبودهای عاطفی ناشی از حضور نداشتن دیگری (مردان) را تعدیل کند و به حداقل ممکن کاهش دهد. درواقع او به غیر از نقش مادری، نقش صمیمی‌ترین دوست دخترش را نیز بازی می‌کند. نویسنده این موضوع را این گونه روایت می‌کند: «مادام دوشارتر نه تنها به عنوان مادر، بلکه همانند یک دوست از دخترش خواست تا او را امین خود بداند و هر کلام تملق‌آمیز و عاشقانه‌ای را که در گوشش خواندند، برای او بازگوید و به دخترش قول داد تا در پریشان‌حوالی‌هایی که غالباً در دوران جوانی انسان را به دردسر می‌اندازد، کنار او باشد و او را در یافتن راه درست یاری کند» (همان).

بنابراین در راستای تکمیل مضمون شخصیت خودمهارگر، تربیت با مختصات عفت و پاکدامنی دیگر مضمون سازمان‌دهنده‌ای است که موضوع پاکدامنی را در رمان پرنسس کلو بازنمایی می‌کند. این موضوع به‌طور مشخص با محوریت نقش مادر شخصیت اصلی داستان پیگیری می‌شود؛ مادری که تمام دغدغه و نگرانی‌اش حفاظت و حراست از پاکدامنی دخترش در برابر موقعیت‌ها و افرادی است که می‌توانند در این حوزه، مسئله و چالش ایجاد کنند. او این دغدغه را در قالب سه راهبرد اصلی و اساسی شامل نصایح با بن‌مایه مسائل اخلاقی و اهمیت و ارزش عفت و پاکدامنی برای زنان، وقف زندگی خود برای فرزند و حمایت و حفاظت بی‌قیدوشرط از او در نهایت مهر و عاطفه مادری به او سامان‌دهی می‌کند و به پیش می‌برد.

۲-۶. شخصیت خودمهارگر: یکی از مهم‌ترین مضامین مرتبط با مفهوم پاکدامنی زنان شخصیت آنهاست. درواقع ویژگی‌های شخصیتی زنان تا حد زیادی تعیین‌بخش عفت و پاکدامنی آنان بوده است. شخصیت مورد توجه در متن مورد مطالعه با ویژگی خودمهارگری مشخص می‌شود. درواقع می‌توان

گفت فرمی از شخصیت که ویژگی‌های برجسته و متمایز آن خویشتن‌داری، خودنظم‌بخشی و مدیریت خود است، با پاک‌دامنی پیوند ناگسستنی دارد. مختصات این شخصیت خودمهارگر در متن مورد مطالعه خویشتن‌داری و شرم و حیاست. خویشتن‌داری بر ویژگی‌ای دلالت دارد که فرد به شکل‌های گوناگون می‌کوشد میل و هوس خود را نگه دارد و مانع از تسلیم خویشتن در برابر خواسته‌های آن شود. نویسنده در باب خویشتن‌داری شخصیت اصلی داستان از زبان او نقل می‌کند: «من و ارتکاب گناه؟! چنین چیزی حتی از فکر من هم گذر نمی‌کند. سخت‌گیرانه‌ترین تقوای جهان نیز حتی نمی‌تواند رفتاری به‌جز آنچه تاکنون از خود بروز داده‌ام، در من بیافریند. من به‌هیچ‌وجه مرتکب عملی نشده‌ام که نخواست به‌اشم شما ناظر آن باشید» (همان، ص ۱۲۳).

از دیگر مضامین مرتبط با شخصیت خودمدار، شرم و حیاست. شرم و حیا حالتی است توأم با خشم معطوف به خصلت‌های نامطلوب فرد که رفتار و کردارش را سنجش و ارزیابی می‌کند و به آگاهی از خصایص نامطلوب او منجر می‌شود. درواقع شرم و حیا بر نوعی حس خشم به خود دلالت دارد که با سنجش هدف و کردار فرد با هنجارها و ارزش‌های یک نظام اخلاقی به او دست می‌دهد. در رابطه با شخصیت اصلی رمان مورد مطالعه، این حیای درونی او را بر آن می‌داشت رفتارهایی محجوبانه‌تر در پیش بگیرد تا با تسلط بیشتر بر خود بتواند اعمال و رفتار خود را مدیریت و کنترل کند. نویسنده در توصیف شرم و حیای پرنسس کلو این‌گونه نقل می‌کند: «پرنس کلو فوراً متوجه این نکته شد که بر خلاف معمول دختران جوان که غالباً از تأثیر زیبایی خویش بر دیگران لذت می‌برند، نگاه‌های این دختر را معذب می‌کند و حتی به نظر می‌رسد که حضور اوست که باعث ناشکیبایی‌اش برای ترک آن موقعیت است» (همان، ص ۴۲).

نویسنده در جای دیگری شرم و حیای دختر را این‌گونه روایت می‌کند: «سخنان موسیو نمور به همان اندازه که برایش دلپسند بود، باعث تشویش و سرافکندگی‌اش هم می‌شد» (همان). این حیای درونی او را بر آن می‌داشت تا رفتارهایی محجوبانه‌تر در پیش بگیرد تا با تسلط بیشتری بر خود بتواند حرکات و رفتارهای خود را کنترل کند: «مادام کلو سرخ شد و درحالی که می‌کوشید از نگاه موسیو نمور بگریزد، چشمانش را به پایین دوخت و گفت: به‌هیچ‌وجه به یاد نمی‌آورم شما را دیده باشم. اگر شما آنجا بوده‌اید، این کار بدون آگاهی من بوده است» (همان، ص ۱۵۹).

بنابراین بر اساس آنچه مطرح شد، می‌توان گفت بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین عامل مرتبط با پاک‌دامنی زنان در متن مورد مطالعه نوع خاصی از شخصیت است که با ویژگی خودمهارگری مشخص می‌شود. شخصیتی که به صورت مستمر و مداوم با درپیش گرفتن رویکرد خودانضباط‌بخشی بر اعمال و رفتار خود، نظارت و کنترل دارد و با تحلیل و بازاندیشی در این

اعمال و رفتار مانع از لغزش و خطا بر خلاف معیارهای اخلاقی می‌شود. این فرم از شخصیت صرفاً امری ذاتی و قائم به فرد نیست؛ بلکه بخش زیادی از آن تحت تأثیر تربیت خانوادگی و عاملان انسانی مرتبط با فرد شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. مضمون بعدی مرتبط با پاکدامنی در متن مورد مطالعه بر همین موضوع و نقش آن در شکل‌گیری این شخصیت و حفظ پاکدامنی شخصیت اصلی رمان تمرکز و تأکید دارد.

۳-۶. پارسامنشی: مضمون دیگری که پاکدامنی در رمان پرنسس کلو را بازنمایی می‌کند، داشتن خوی و منش پارسایی است. پارسایی بیانگر نوعی از سبک زندگی بر مبنای پرهیز و اجتناب از لذت‌های مادی زندگی برای تزکیه نفس است. درواقع در این سبک از زندگی، فرد با درپیش گرفتن اعمال و رفتاری که حداقل درگیری را با امور دنیوی و مادی یا به بیان دیگر لذت‌ها دارد، در منزله کردن نفس خود از ناپاکی‌ها می‌کوشد. مضمون پارسامنشی پیرامون دو مضمون تقوایی و ریاضت‌کشی صورت‌بندی شده است. تقوایی نوعی کنش خودنگهداری مبتنی بر جایگزینی امور الهی، معنوی و اخلاقی به جای امور دنیوی، غیرالهی و غیراخلاقی است. به سخن دیگر محروم کردن خود از لذت‌ها و تمایلات دنیوی به منظور پرهیز از گناه و تزکیه نفس است. نویسنده تقوایی شخصیت اصلی داستان را این‌گونه روایت می‌کند: «او علاقه‌مند است موسیو نمور بداند که او بر این اعتقاد است که وظیفه و آرامش روحی با عشق او همسازی ندارد. بقیه امور دنیا نیز آن‌چنان در نظر او بی‌ارزش و بی‌جاذبه شده‌اند که برای همیشه از تمامی آنها چشم پوشیده است و اکنون به‌جز اندیشه دنیایی واپسین، چیزی در سر ندارد» (همان، ص ۱۸۰).

مفهوم دیگر مرتبط با پارسامنشی که همچون یک راهبرد اصلی در خدمت پارسامنشی عمل می‌کند، ریاضت‌کشی از طریق عزلت‌گزینی و کناره‌گیری از امور دنیوی و لذت‌های آن است. درواقع فرد با درپیش گرفتن مسیر سختی و ریاضت، خود را از آلودگی‌های ناشی از لذت‌های مادی زندگی مصون نگه می‌دارد و پاکدامنی خود را حفظ می‌کند. در متن مورد مطالعه نیز شخصیت داستان در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف از طریق عزلت‌گزینی، کناره‌گیری از جامعه و مناسبات آن (همچون شرکت نکردن در مراسم عمومی) و درنهایت پناه بردن به صومعه می‌کوشد خود را در معرض خطا و اشتباه قرار ندهد و از این طریق، پاکدامنی خود را حفظ کند. براین اساس او در زمان زندگی با شوهرش کناره‌گیری از جامعه و تنهایی را در پیش می‌گیرد: «مادام کلو که تمام مدت در خانه مانده بود، درحالی‌که وانمود می‌کرد بیمار است، سعی کرد شوهرش را متقاعد کند که لزومی ندارد درباریان را مشایعت کند و اینکه اجازه دهد برای هواخوری و رسیدگی به وضع سلامتی‌اش به کولومیه برود» (همان، ص ۱۴۸).

پس از مرگ شوهر نیز به صومعه پناه می‌برد تا از همه امور دنیوی چشم‌پوشد و برای مرگ آماده شود و این دقیقاً همان کاری است که مادر پرهیزگارش در روزهای پایانی عمر خود انجام داد و پرنسس باقی‌مانده عمرش را که بسیار کوتاه بود، این‌گونه طرح‌ریزی کرد؛ بنابراین می‌توان گفت از دیگر مضامین بازنمایی‌کننده مفهوم پاک‌دامنی در رمان پرنسس کلو پارسامنشی است که به عنوان یک ویژگی شخصی و مرتبط با منش و خوی افراد، مانع از اعمال و رفتارهایی می‌شود که می‌تواند عفت و پاک‌دامنی یک زن را مخدوش کند. درواقع تقوایی‌نگری و ریاضت‌کشی به عنوان صفات و راهبردهای اصلی مرتبط با منش پارسایی به عنوان یک عامل بازدارنده مطلوب و قابل اطمینان برای حفظ عفت و پاک‌دامنی عمل می‌کند.

۴-۶. تکلیف‌مداری: دیگر مضمون سازمان‌دهنده مرتبط با موضوع پاک‌دامنی پابندی به تکلیف و وظیفه‌ای است که فرد در برابر خود و دیگری دارد. این تکلیف دارای دو وجه دینی و اخلاقی است که وجه دینی آن در آیین کاتولیک ریشه داشته است. درواقع تکلیف‌مداری بر نوعی تعهد درونی و رفتاری فرد درباره خود و دیگری دلالت دارد که در چارچوب قانون، عرف، شرع و... به انجام اعمال و رفتاری در برابر او متعهد شده است. خودتکلیفی یا به بیان دیگر تعهد به انجام مجموعه‌ای از اعمال و رفتار درباره خود یکی از مضامین پایه‌مربوط به تکلیف‌مداری است. درواقع از آنجایی که هر فردی در زندگی فردی و اجتماعی خود برای داشتن زندگی سالم به مراقبت از خود نیاز دارد و این مراقبت در قالب برخی وظایف و تکالیف بروز و ظهور می‌یابد؛ بنابراین در متن مورد مطالعه نیز این موضوع (تکلیف درباره خود) در قالب کنش‌های خودمراقبتی به منظور حفظ پاک‌دامنی تجلی می‌یابد؛ به این معنا که شخصیت اصلی داستان پیش از تعهد و تکلیف در برابر شخص دیگری اعم از اعضای خانواده یا همسر، پاک‌دامنی را یک تکلیف فردی و شخصی می‌داند که باید درباره آن مراقبت و مواظبت کند. در جایی از متن، مادر پرنسس کلو به او این‌گونه می‌گوید: «در نظر بیاورید که درباره خودتان چه وظایفی دارید و به این فکر کنید که شهرت و اعتباری را که تا امروز به دست آورده‌اید و من آن قدر برای شما آرزویش را داشتم، خیلی زود از دست خواهید داد» (همان، ص ۶۸).

دیگرتکلیفی بر وظایف و تکالیفی دلالت دارد که فرد در برابر فرد یا افراد دیگری غیر از خود دارد؛ به این معنا که فرد یا به صورت شخصی یا در چارچوب قراردادهای اجتماعی به انجام اعمال و رفتاری متعهد و پایبند شده است که شکل و فرم تکلیف یافته است. در رابطه با پدیده ازدواج، این موضوع در قالب تعهدات زندگی زن‌شویی تعریف می‌شود؛ تعهداتی که زوجین در چارچوب قرارداد ازدواج، هم به صورت شخصی و هم اجتماعی درباره رعایت و انجام آن، وظیفه و تکلیف دارند.

دیگر مضمون مرتبط با تکلیف‌مداری که به شکل مشخص‌تر در چارچوب مضمون دیگر تکلیفی نیز می‌توان تعریف کرد و به عنوان کنشی دور از انتظار در رابطه با شخصیت اصلی داستان اتفاق افتاده، مضمون خوداظہارگری است. خوداظہارگری به معنای بازگویی یا به سخن دیگر اعتراف فرد به اندیشه یا عملی است که درگیر آن شده یا انجام داده است. در اینجا پرنسس کلو در یک اقدام کم‌سابقه در راستای وظیفه و تکلیفی که درباره شوهر خود دارد، به عشق و علاقه‌ای که به شخص دیگر دارد، اعتراف می‌کند. این موضوع به‌رغم اینکه به عنوان یک عمل مرتبط با موضوع پاک‌دامنی رایج نبوده و نیست؛ ولی شخصیت اصلی داستان در چارچوب وظیفه و تعهدی که به دیگری (شوهر) دارد و با هدف خروج از این وضع در پیش می‌گیرد. نویسنده متن این‌گونه روایت می‌کند: «اندیشه وفاداری به شوهر و پایبندی به حفظ آبرو و شرافت، شاهزاده خانم را بر می‌انگیزد تا عشق سوزانش را نزد شوهر فاش کند و از او راهنمایی بخواهد. او (مادام کلو) خطاب به شوهرش می‌گوید: "می‌خواهم چیزی را نزد شما اعتراف کنم که هرگز کسی تاکنون چنین اعترافی نزد شوهرش نکرده است؛ اما تنها چیزی که در این کار به من قوت و جسارت می‌بخشد، معصومیت من چه در رفتار و چه در پندار است"» (همان، ص ۱۲۲).

شاید بتوان گفت کانون تمرکز پاک‌دامنی و نحوه رویارویی شخصیت اصلی داستان با این موضوع در رمان پرنسس کلو تکلیف‌مداری است؛ تکلیف درباره خود و دیگری. به بیان دیگر نخست تکلیف و تعهد درباره خود است. این موضوع را هم مادر او پیوسته تذکر می‌دهد و هم اینکه خود شخصیت به این نتیجه می‌رسد که یکی از وظایف او درباره خودش حفظ عفت و پاک‌دامنی‌اش است. دوم وظیفه و تکلیف درباره دیگری است که این دیگری هم شوهر او و هم مادر است. البته نقش شوهر در اینجا بسیار پررنگ‌تر و مهم‌تر از مادر است. در نتیجه دیگر مضمون مهم و بنیادین بازنمایی‌کننده پاک‌دامنی که نقش مهمی را در شکل‌گیری مضامین دیگر دارد، موضوع تعهد، تکلیف و وظیفه‌ای است که فرد درباره این فضیلت اخلاقی دارد.

۵-۶. فاصله‌گیری: یکی از راهبردهای بسیار مهم در رابطه با موضوع پاک‌دامنی در متن مورد مطالعه فاصله‌گیری شخصیت اصلی داستان از موقعیت‌ها و افرادی است که امکان خدشه به عفت و پاک‌دامنی او را فراهم می‌کنند؛ به بیان دیگر در اینجا با نوعی کشگری مبتنی بر دوری‌گزینی و فاصله‌گیری از شرایط و افراد روبه‌رو هستیم که هدف اصلی و نهایی آن حفظ عفت و پاک‌دامنی است. مضمون فاصله‌گیری پیرامون سه مضمون «دوری‌گزینی، تعامل منفعلانه و مواجهه خردورزانه» صورت‌بندی شده است. دوری‌گزینی به عنوان یک راهبرد به مجموعه‌ای از رفتارهایی مربوط می‌شود که فرد می‌کوشد فاصله خود را به صورت فیزیکی با دیگری که امکان مخدوش کردن عفت و پاک‌دامنی او را

دارد، حفظ کند. درواقع در متن مورد مطالعه، شخصیت اصلی داستان می‌کوشد با درپیش گرفتن اعمال و رفتارهایی ازجمله در معرض دید قرار نگرفتن، پرهیز از مواجهه فیزیکی، بی‌خبری و اجتناب از دیدار، فاصله خود را با طرف مقابل حفظ کنید. نویسنده دوری‌گزینی را این‌گونه روایت می‌کند: «مادام کلو از آنجاکه می‌دانست در مواجهه با او نمی‌تواند خویشتن‌دار بماند و او را دوست‌داشتنی نیابد، به‌شدت از ملاقات با او پرهیز می‌کرد و مصمم بود تا جایی که در دست اوست، از این دیدار بگریزد» (همان، ص ۶۹). در جای دیگر روایت می‌کند: «این شخص به او گفت که مادام کلو نه تنها برای او غدغن کرده که از موسیو نمور پیغامی برایش بیاورد؛ بلکه حتی تأکید کرده که مبادا موسیو نمور از سخنان ردوبدل شده میان آنها بویی ببرد» (همان، ص ۱۸۰).

مضمون دیگر مرتبط با فاصله‌گیری، تعامل منفعلانه است؛ شکل و فرمی از تعامل که فرد در آن می‌کوشد به صورت کاملاً خنثی عمل کند و تعامل خود با دیگری را بر مبنای اعمال و رفتاری تنظیم کند که امکان هرگونه کنشگری خارج از قاعده مد نظر خود را از او سلب کند. در متن مورد مطالعه نیز شخصیت اصلی داستان با درپیش گرفتن راهبردهایی ازجمله نادیده‌انگاری، برخورد سرد، بروز ندادن احساسات و عوض کردن صحبت می‌کوشد مدیریت تعامل را به دست گیرد و از این مسیر اجازه کنشگری خارج از چارچوب را به معشوقه خود ندهد. برای نمونه نویسنده اعمال و رفتار مبتنی بر تعامل منفعلانه را این‌گونه نقل می‌کند: «تنها کاری که شما می‌بایست انجام دهید، این است که در مقابل آن مردی که به شما اظهار عشق و ارادت می‌کند، رفتاری در نهایت سردی و جدیت داشته باشید تا اینکه به‌راحتی این ذهنیت را که شما به این شخص تعلق‌خاطری داشته‌اید، از صفحه افکار پاک کند» (همان، ص ۶۸).

در جای دیگر این‌گونه می‌نویسد: «شاید به همان اندازه که از دیدن موسیو نمور در آنجا واهمه داشت، به همان اندازه نیز تمنای چنین چیزی را در دل احساس می‌کرد؛ اما سرانجام ملاحظات عقلی و دوراندیشی در وجودش در تمامی احساسات دیگر غلبه یافت و دریافت که برای او بهتر است که در همان حال و هوای شک و ابهامی که بود، باقی بماند تا اینکه خود را در معرض مخاطره کشف حقیقت قرار دهد» (همان، ص ۱۵۶).

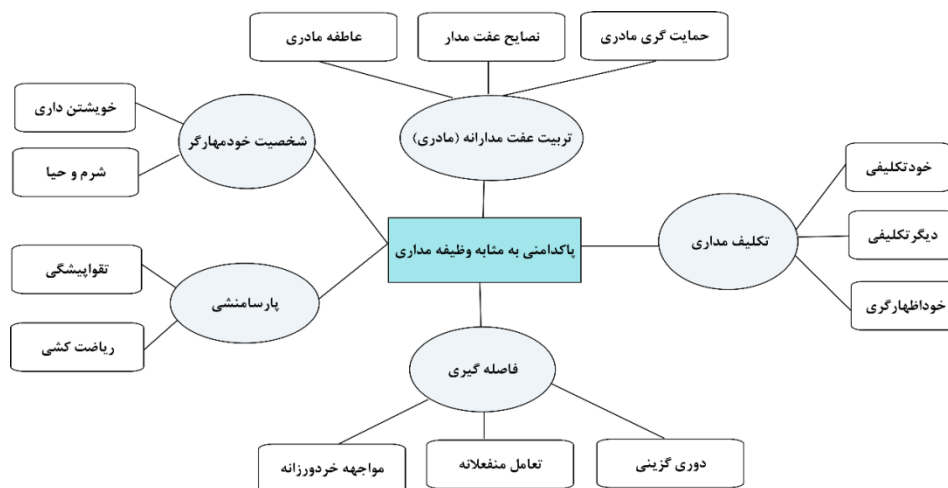
مواجهه خردورزانه یعنی فرمی از رویارویی که فرد حداقل درگیری احساسی و عاطفی را با طرف مقابل دارد، یکی دیگر از مضامین مربوط به فاصله‌گیری است. درواقع به جای احساس و عاطفه، عقل و خرد مواجهه و تعامل با دیگران را راهبری می‌کند؛ به بیان دیگر منبع اصلی فرد برای سامان‌دهی و تنظیم رفتارهای خود با دیگران (در اینجا معشوق) رجوع به عقل و خرد است. در متن مورد مطالعه این نوع مواجهه یکی از راهبردهای اصلی شخصیت اصلی داستان برای پرهیز از

درگیری عاطفی با معشوقه خود و حفظ پاکدامنی او قلمداد می‌شود.

براین اساس دیگر مضمون بازنمایی‌کننده عفت و پاکدامنی در متن مورد مطالعه فاصله‌گیری بر مبنای مجموعه راهبردهایی است که فرد را از خطر بی‌عفتی مصون می‌دارد. در متن مورد مطالعه نیز شخصیت اصلی داستان به نحو مطلوب و مؤثری در قالب کنش‌های مبتنی بر دوری‌گزینی، تعامل منفعلانه و مواجهه مبتنی بر عقلانیت و خرد سعی دارد از این طریق اوضاع را نه به‌طور کامل، ولی تا جایی که به خود او مربوط و مرتبط است، در راستای حفظ پاکدامنی خویش تحت کنترل و مدیریت داشته باشد.

۶-۶. پاکدامنی به مثابه وظیفه‌مداری (مضمون فراگیر): بر مبنای مضامین سازمان‌دهنده مطالعه و با توجه به آنچه آتراید - استرلینگ در خصوص مضمون فراگیر می‌گوید؛ به این معنا که این مضمون هرآنچه در داده‌ها تحلیل شده را به عنوان یک کل منعکس می‌کند و به عنوان یک چتر مفهومی، مضامین سازمان‌دهنده پژوهش را در بر می‌گیرد و کلیت متن با رجوع به این مضمون، قابل توضیح و تفسیر است. مضمون فراگیر مطالعه حاضر «پاکدامنی به مثابه وظیفه‌مداری» است. وظیفه‌مداری بر تکلیف، تعهد و مسئولیت فرد در قبال خود و دیگران دلالت دارد. در اینجا نیز در ارتباط با شخصیت اصلی داستان به عنوان واحد تحلیل، شاه‌بیت تعریف پاکدامنی و راهبردهای حفظ آن بر مدار وظیفه و تکلیف درباره خود و دیگری (همسر) می‌چرخد. در نتیجه می‌توان گفت وظیفه‌مداری به صورت آشکار و ضمنی، امکان توصیف حالت پاکدامنی و پوشش مضامین مرتبط با آن را در این متن به مثابه یک کل دارد.

شکل ۱. شبکه مضامین مفهوم پاکدامنی در رمان پرنسس کلو



چهار مضمون (تکلیف‌مداری، شخصیت خودمهارگر، پارسامنشی و فاصله‌گیری) وضع موجود پاک‌دامنی در شخصیت اصلی رمان را به همدیگر پیوند می‌زند. درواقع پاک‌دامنی شخصیت اصلی محصول تعامل این چهار مضمون است که در قالب «وظیفه/تکلیف» به هم مرتبط شده‌اند؛ به بیان دیگر مفهومی که ارتباط میان مضامین سازمان‌دهنده مطالعه با مضمون فراگیر را برقرار می‌کند، «وظیفه» است. پاک‌دامنی در این نگاه همچون یک تکلیف و وظیفه نگریسته می‌شود که فرد در برابر خود، دیگری و جامعه دارد؛ بنابراین تکلیف‌محوری بنیاد اولیه شکل‌دهی به مضمون فراگیر است. همان‌طور که بحث شد، در این رمان با دو فرم از وظیفه (در برابر خود و دیگری) در رابطه با پاک‌دامنی مواجه هستیم. وظیفه درباره خود که دربرگیرنده مضامینی از جمله شخصیت خودمهارگر و پارسامنشی است و وظیفه درباره دیگری که دربرگیرنده مضمون فاصله‌گیری است. درواقع فرد نخست در راستای وظیفه و تکلیفی که درباره خود دارد، نوعی از شخصیت را که ویژگی برجسته آن خودمهارگری یا به بیان دیگر کنترل هواهای نفسانی است، پرورش می‌دهد و همچنین در زندگی شخصی و اجتماعی خود، پارسامنشی پیشه می‌کند. هردو مضمون بیانگر نوعی تکلیف در برابر خویشتن فرد است؛ تکلیف یا وظیفه‌ای که فرد را در مسیر عفت و پاک‌دامنی قرار می‌دهد. در اینجا است که تکلیف‌مداری به شخصیت خودمهارگر مرتبط می‌شود. شخصیت اصلی رمان درباره خود و پاک‌دامنی ذاتی خودش احساس وظیفه و تکلیف می‌کند. او تخطی از پاک‌دامنی را تعدی به شخصیت و ذات خودش تعریف می‌کند و براین اساس به راهبرد پارسامنشی و فاصله‌گیری برای حفظ پاک‌دامنی و رهایی از تعارض معنایی گناه/عفت پناه می‌برد. این مسئله در مورد تکلیف و وظیفه درباره دیگری نیز صادق است. شخصیت اصلی رمان درباره حفظ آبروی اجتماعی، احساس وظیفه می‌کند و هم‌زمان درباره زندگی زناشویی پیشین خویش که باز هم ماهیتی اجتماعی - گفتمانی دارد، نوعی تکلیف‌مداری احساس می‌کند. بر این مبنا وظیفه خود می‌داند برای حفظ پاک‌دامنی، همان راهبردهایی را که در حالت خودتکلیفی برای خود تعریف کرده بود، در سطحی اجتماعی‌تر تعریف کند. شخصیت اصلی به دلیل تعهد و تکلیفی که در برابر دیگری (در اینجا همسر) برای خود تعریف کرده است، راهبردهایی از جمله دوری‌گزینی، تعامل مبتنی بر انفعال و مواجهه مبتنی بر عقل و خرد را برای حفظ عفت و پاک‌دامنی با دیگران در پیش می‌گیرد. این تعهد و تکلیف در سطحی وسیع‌تر در اجتماع نیز بحث‌برانگیز است. هرچند به نظر می‌رسد فرد به دلیل تعهد به همسر خویش چنین راهبردهایی را دنبال می‌کند؛ اما هم‌زمان برای حفظ آبروی اجتماعی نیز به چنین راهبردهایی پناه می‌برد.

بحث و نتیجه‌گیری

پاک‌دامنی مفهومی چندلایه است که بی‌گمان بخشی از معنای آن ذات‌گرایانه و بنیاد وجودی و ذاتی انسان قلمداد می‌شود. در مقابل، پاک‌دامنی معنایی گفتمانی و اجتماعی نیز دارد. در واقع پاک‌دامنی هم‌زمان که امری ذات‌گرایانه است، ماهیتی گفتمانی نیز دارد. نتایج پژوهش حاضر نیز تا حدودی همین مسئله را تأیید می‌کند. شخصیت خودمهارگر، پارسامنش و فاصله‌گیری بیشتر از مضامین پاک‌دامنی به نگاه ذات‌گرایانه نزدیک‌تر هستند. هرچند در نهایت نمی‌توان از نقش اجتماعی شدن و مناسبات گفتمانی در تولید مفاهیمی مانند شخصیت خودمهارگر، پارسامنش و فاصله‌گیری صرف‌نظر کرد؛ اما به نظر می‌رسد باید جوهر و ذاتی در شخصیت انسانی سوژه وجود داشته باشد تا بتواند خودمهارگر باشد، پارسامنش باشد و فاصله‌گیری را برای ایجاد پاک‌دامنی در پیش بگیرد؛ برای نمونه شرم و حیا و خویش‌داری به عنوان مضامین پایه شخصیت خودمهارگر، در اجتماع شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند؛ اما ریشه‌های آن به ماهیت انسان باز می‌گردد. در مقابل، نیروهایی که در تعارض با پاک‌دامنی شکل گرفته‌اند (گناه جنسی، انحراف جنسی و...)، بر ساختار اجتماعی و در درون مناسبات گفتمانی تولید شده‌اند.

اگر با رویکردی اسلامی نیز به این مسئله نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که شخصیت خودمهارگر، پارسامنش و فاصله‌گیری راهبردها و کنش‌هایی هستند که به منظور حفظ پاک‌دامنی به عنوان بنیادی ذاتی برای انسان صورت می‌گیرند؛ بنابراین اینجا با یک «ذات» به نام پاک‌دامنی مواجه هستیم که توسط کنش‌های انسانی و در چارچوب ساختارهای اجتماعی و مناسبات گفتمانی اسلامی حفظ می‌شود یا مورد تهدید قرار می‌گیرد. در رویکرد اسلامی، پاک‌دامنی تنها عفت در اندیشه و گفتار نیست؛ بلکه عفت در رفتار و کنش را نیز در بر می‌گیرد و دقیقاً تعامل این سه‌گانه (اندیشه، گفتار و کردار) است که پاک‌دامنی را شکل می‌دهد (ر.ک: اکبری دستک، ۱۳۹۸). این مسئله را می‌توان در نتایج پژوهش نیز مشاهده کرد. شخصیت خودمهارگر و تکلیف-مداری را می‌توان در ارتباط با اندیشه و گفتار پاک‌دامنی در رویکرد اسلامی قرار داد. در مقابل، پارسامنش و فاصله‌گیری در ارتباط با رفتار و کنش پاک‌دامنه در رویکرد اسلامی است.

شخصیت اصلی رمان پرنسس کلو با خویش‌داری، شرم و حیا، شخصیت خودش را مهارگر نموده، اندیشه پاک‌دامنی را در درون خودش شکوفا می‌کند. افزون بر این او پاک‌دامنی را یک تکلیف برای خودش قلمداد می‌کند و ذهن خودش را به گونه‌ای تنظیم کرده است که برای حفظ پاک‌دامنی به عنوان یک تکلیف، هر کاری باید بکند. این تکلیف هم در برابر خود است و هم در برابر دیگری (فرد، جامعه، ساختار، گفتمان دینی و...). در همین نگاه، اجتماعی شدن نیز اهمیت

می‌یابد. اینکه ذات انسانی پاک‌دامنی را ارزشمند می‌داند، بدین معنا نیست که همواره این‌گونه بوده و این‌گونه باقی خواهد ماند. ممکن است عوامل گوناگون باعث شود پاک‌دامنی در معرض خطر قرار گیرد و تضعیف شود. در اینجا است که اجتماعی شدن فرد نقشی بنیادی در نگاه او به پاک‌دامنی ایفا می‌کند. همین مسئله را در شیوه جامعه‌پذیری شخصیت اصلی رمان پرنسس کلو نیز می‌توان دید. تربیت عفت‌مدارانه [مادری] در رمان پرنسس کلو و شکل‌دهی به پاک‌دامنی نقشی بنیادی دارد. شیوه فرزندپروری و جامعه‌پذیری شخصیت اصلی از سوی مادرش به گونه‌ای است که او را آماده پذیرش پاک‌دامنی و رعایت آن می‌کند. در واقع مادر هم‌زمان که وظیفه پاک‌دامنی را به فرزند خودش (شخصیت اصلی) آموزش می‌دهد، نقش مادرانگی را نیز که در تناسب به پاک‌دامنی است، به او می‌آموزد تا بدین طریق، پاک‌دامنی به صورت فرانسولی ترویج شود. در اینجا شاهد تعامل کردار (رفتار) و اندیشه (ذهنیت) در شکل‌دهی و تقویت/تضعیف پاک‌دامنی هستیم. تنها در صورتی که این دو در کنار یکدیگر قرار بگیرند، شاهد پاک‌دامنی خواهیم بود. این همان نگاهی است که در رویکرد اسلامی به پاک‌دامنی وجود دارد (ر.ک: فخرالسادات، ۲۰۰۲، ص ۲۳۸-۲۳۹، نقل از غیبی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰).

براین اساس می‌توان گفت پاک‌دامنی، هم ماهیتی ذاتی دارد و هم اجتماعی - گفتمانی. پاک‌دامنی امری درونی است و در ذات انسان‌ها وجود دارد؛ اما در مناسبات اجتماعی و گفتمانی است که توسعه می‌یابد، منحرف می‌شود یا به درون‌مایه اصلی رفتار و کنشگری انسانی تبدیل می‌شود. همچنین پاک‌دامنی باید هم در اندیشه و ذهنیت وجود داشته باشد و هم در کردار و رفتار مشاهده شود. مفصل‌بندی این ابعاد است که در نهایت پاک‌دامنی را به عنوان یک ارزش اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کند. در این اوضاع است که مضمون محوری «وظیفه‌مداری» معنا دار می‌شود. همان‌طور که بحث شد، در رمان پرنسس کلو «پاک‌دامنی به مثابه وظیفه‌مداری» در جایگاه مضمون مرکزی نمایان می‌شود. پاک‌دامنی یک وظیفه و یک تکلیف است که در ذات انسانی ریشه دارد؛ اما در بافت و ساختار اجتماعی و گفتمانی ترسیم می‌شود. براین اساس «وظیفه‌مداری» و تلاش سوژه برای حفظ پاک‌دامنی، تلاشی هم‌زمان برای حفظ ذات پاک‌دامن خود و خدشه وارد نکردن به مناسبات اجتماعی و گفتمانی توسعه‌بخش مفهوم پاک‌دامنی است. مقایسه نتایج پژوهش با برخی نظریه‌های فرهنگی که بر کنترل‌مندی زنانه از سوی نظام مردسالار تأکید دارند و پاک‌دامنی را بر مبنای آن تفسیر می‌کنند (ر.ک: فوکو، ۱۹۷۹، نقل از بارکر، ۱۳۹۷، ص ۵۱۷/ویکان، ۱۹۸۲/گیلمور، ۱۹۸۷/ویسفلد، ۱۹۹۳/لیندیسفارن، ۱۹۹۸، نقل از ماهالینگام، ۲۰۰۷، م)، نشان می‌دهد چندان تناسبی بین این رویکردها و مفهوم پاک‌دامنی در رمان پرنسس کلو وجود

ندارد. به نظر می‌رسد پاک‌دامنی به عنوان یک ارزش اجتماعی (و آمیزه‌ای از ذات‌گرایی و برساخت‌گرایی آن) مطرح است؛ نه به عنوان یک ابزار برای کنترل‌مندی بدن و تن زنانه از سوی ایدئولوژی، ساختار و گفتمان‌های پدرسالارانه. در این نظریات فرهنگی، پاک‌دامنی نکوهش می‌شود؛ زیرا وسیله‌ای برای تنظیم مناسبات جنسیتی جامعه به سود مردان قلمداد می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد چنین نگاهی به پاک‌دامنی صحیح نیست.

مقالات

بازنمایی پاک‌دامنی زنان در ادبیات قرن هفدهم فرانسه
(مورد مطالعه: رمان پرنسس کلو)

منابع و مآخذ

- اکبری دستک، فیض‌الله؛ «عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث»؛ فصلنامه تخصصی قرآن و حدیث سفینه، س ۱۶، ش ۶۴، ۱۳۹۸، ص ۷۲-۸۸.
- بارکر، کریس؛ مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد؛ ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷.
- خدادادی، صالحه و راحله کاردوانی؛ «بررسی میزان هم‌گرایی عفت جنسی در دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم»؛ اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۹، ش ۲، ۱۴۰۰، ص ۱۹۱-۲۱۷.
- دادجو، سمیرا؛ «تحلیل سودای زنانه در شاهزاده کلو اثر مادام دولافایت و شیفتگی لول و. اشتاین»؛ پایان‌نامه، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۸.
- صحرايي سرمزده، فاطمه؛ «تصویر عفت و پاک‌دامنی زن در آئینه شعر جاهلی»؛ دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، د ۲، ش ۲، ۱۳۹۹، ص ۲۰۳-۲۲۸.
- غیبی، عبدالاحد؛ «بارقه‌های عفت در عاشقانه‌های ابراهیم ناجی»؛ مجله زبان و ادبیات عربی، د ۴، ش ۷، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- فخرالسادات، السیدعلی؛ العفة والحجاب؛ المنهاج، العدد الرابع والعشرون، ۲۰۰۲ م.
- کوبان آلفرد؛ تاریخ معاصر فرانسه؛ ترجمه عباس‌قلی غفاری فرد؛ تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۳.
- یعقوبی، حسن؛ «پاک‌دامنی و پوشیدگی زن در جلوه‌گاه شعر پارسی»؛ پویش در آموزش علوم انسانی، س ۳، ش ۹، ۱۳۹۶.
- Alexander, R. D.; *The Biology of Moral Systems*; New York: Aldine de Gruyter, 1987.
- Attride - Stirling, J.; "Thematic Networks: an Analytic Tool for Qualitative Research"; *Qualitative Research*, v.1, n.3, 2001, pp.385-405.
- Braun, V. & V. Clarke; "Using Thematic Analysis in Psychology"; *Qualitative Research in Psychology*, v.3, n.2, 2006, pp.77-101.
- Brill, L. W.; (1971). "Chastity as Ideal Sexuality in the Third Book of The Faerie Queene"; *Studies in English Literature, 1500-1900*, 1971, pp.15-26.
- Buss, D. M.; "The Evolutionary Psychology of Human Social Strategies"; in S. F. D. Gilbert & G. Lindzey (Eds.); *Handbook of Social Ppsychology*; Chicago, IL: McGraw-Hill, 1998, pp.3-38.
- Creswell, J. W., & D. L. Miller; "Determining Validity in Qualitative Inquiry"; *Theory Into Practice*, 2000, v.39, n.3, pp.124-130.
- DeTurk, S.; "Conflicting Desires: Sexuality, Chastity, and the Representation of Lucretia in Sixteenth-Century Venetian Painting (Italy) "; Ph.D Thesis, Bryn Mawr College, 2001.

- Gilmore, D. D.; *Honor and shame and the unity of the Mediterranean*; Washington, DC: American Anthropological Association, 1987.
- Lindisfarne, N.; (1998). "Gender, Shame, and Culture: An Anthropological Perspective"; in P. Gilbert (Ed.); *Shame: Interpersonal Behavior, Psychopathology and Culture*; New York: Oxford University Press, pp.246-260.
- Madame de La Fayette; "La Princesse de Clèves"; Ed. Garnier-Flammarion, Paris, 1966.
- Mahalingam, R.; "Beliefs about Chastity, Machismo, and Caste Identity: A Cultural Psychology of Gender"; *Sex Roles*, n.56, 2007, pp.239-249.
- Porter, J.; "Chastity as a Virtue"; *Scottish Journal of Theology*, v.58, n.3, 2005, pp.
- Roy, O.; *Chastity in Ancient Indian Texts: Precept, Practice, and Portrayal*; Taylor & Francis, 2022.
- Weisfeld, G. E.; (1993). "Social Status and Values in Traditional Arab Cultures"; in E. Lee (Ed.); *Comparative Biosocial Analysis*; Westport, CT: Praeger, 1993, v.1, pp.75-97.
- Wikan, U.; *Behind the veil in Arabia: Women in Oman*; Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1982.